شهرآرا
روزنامه شهر امید و زندگی
اشنبه ۱۴ دی ۱۳۹۹
۱۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۲
شماره ۳۲۹۱
SHAHRARANEWS.IR

شاهراه‌های تحکیم ارتباط زوج‌های جوان

طاهر علیزاده
مشاور و روان‌شناس

ازدواج دختر و پسر، پیوند دو نفر نیست؛ بلکه پیوند دو خانواده است. زمانی که طرفین ازدواج می‌کنند، دو نوع فرهنگ و آداب و رسوم خانوادگی به هم پیوند می‌خورد. ازدواج دو عضو از دو خانواده مستقل که قوانینشان نیز با یکدیگر تفاوت بسیاری دارد، می‌تواند مشکلاتی را هم برای خانواده تازه‌تأسیس و هم خانواده‌های هر یک از طرفین ایجاد کند. ازاین‌رو یادگیری مهم‌ترین اصول ارتباطی بین زوجین و خانواده‌ها از اهمیت بسیار برخوردار است.

از مهم‌ترین اصول ارتباطی بین زوجین و خانواده‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

رعایت حریم و مرزها در حین داشتن صمیمیت: در اولین مرحله باید با نقش جدید خود و همچنین با وظایفی که در خانواده همسر داریم بیشتر آشنا شویم. باید به سلسله‌مراتب قدرت در خانواده‌ها احترام بگذاریم و به‌جای تلاش برای تغییر ساختار قدرت، به همان شکل قبلی آن را بپذیریم. توجه به قواعد و ساختارهای خانواده همسر به‌معنی فاصله‌گیری نیست؛ بلکه به‌معنای ایجاد فضای صمیمی در چهارچوب قوانین خانواده همسر است.

حفظ رفتار و منش مؤدبانه: باید به این نکته توجه کرد که هم‌زمان با افزایش صمیمیت و کم‌کردن فاصله‌ها، ارتباط محترمانه و مؤدبانه، زمینه تمام رابطه‌ها باشد. برخی افراد صمیمیت را با بی‌ادبی اشتباه می‌گیرند و پس از مدت کوتاهی این موضوع، زمینه‌ساز اختلاف‌های خانوادگی می‌شود.

پذیرش شخصیت اعضا به همان شکل قبل: برخی افراد با ورود به خانواده همسر وسوسه می‌شوند بعضی از ویژگی‌ها و خصلت‌های خانواده همسر را تغییر دهند که به‌طور طبیعی، این کار عواقبی منفی به‌دنبال دارد.

هنر گوش‌دادن، بدون نصیحت و قضاوت‌های ضروری: گاهی ممکن است یکی از اعضای خانواده تصمیم بگیرد با شما صحبت کند. اگر بتوانید به‌شکل فعالانه گوش دهید و از نصیحت و راه‌حل‌های شتاب‌زده اجتناب کنید، به عضو صمیمی و قابل اعتماد خانواده تبدیل می‌شوید.

پرهیز از مداخله در مسائل خانواده و حفظ رازداری: تا حد امکان زمان بروز اختلاف در خانواده همسر مداخله نکنید و علاوه‌برآن وقتی خانواده همسر، شما را به‌عنوان یک عضو جدید می‌پذیرد، صحبت‌های شخصی داخل خانواده را به بیرون انتقال ندهید و از مطرح‌کردن آن با دیگران حتی خانواده خود پرهیز کنید (فقط درصورتی‌که ضرورت عقلانی وجود داشته باشد).

توجه به اولویت‌ها: به عنوان یک اصل همیشه به یاد داشته باشید که خانواده فعلی شما، خانواده همسر و فرزندانتان باید اولویت اصلی در زندگی شما باشند.

پرهیز از بحث‌هایی که پتانسیل اختلاف دارند: اگر فکر می‌کنید درباره موضوع خاصی با خانواده همسر اختلاف نظر دارید، از بحث‌هایی که منجر به اختلاف می‌شود به‌طور کامل پرهیز کنید.

پرهیز از ائتلاف در خانواده همسر: برخی مواقع به‌شکل ناخواسته و بدون آگاهی در اختلاف‌های خانوادگی همسر، ممکن است از شخص خاصی حمایت کنید. سعی کنید در اختلاف‌های درون خانوادگی همسر خود، فاصله را رعایت کنید و درصورت نیاز با رعایت اصل بی‌طرفی، کمک‌کننده باشید.

مدیریت میزان حضور در خانواده همسر: سعی کنید میزان حضور در خانواده همسر را طوری تنظیم کنید که صمیمیت و حریم خصوصی خانواده همسر حفظ شود.

ظرفیت حل مسئله به جای فاصله‌گیری و قطع ارتباط: اگر با یکی از اعضای خانواده همسر خود به مشکل برخوردید، به‌جای نشان‌دادن مشکل به همسرتان و تهدید به قطع رابطه، سعی کنید با رویکرد راه‌حل‌محور و کاهش تنش، این مشکل را برطرف کنید. حتی اگر این اختلاف حل نشد، نباید این دیدگاه نامناسب را به همسر و سایر اعضای خانواده او نسبت دهید.

اگر بتوانید در برخورد و ارتباط با خانواده همسر، بین دو مؤلفه احترام و حریم خصوصی تعادل برقرار و به اصول ذکرشده توجه کنید، نتایج مثبتی را در خانواده‌ها مشاهده می‌کنید.

گفت‌وگوی روز

«بندازش هلفدونی»؛ این نگاه ترمیمی نیست

دبیر شهر ترمیمی: باید مردم اقناع شوند، مدیران سال‌ها از بالا به پایین دستور داده‌اند

فرزانه شهامت
f.shahamat@shahraranews.ir

اشاره: یک سال از انتخاب مشهد به‌عنوان نخستین شهر ترمیمی کشور می‌گذرد؛ انتخابی داوطلبانه و به ابتکار شهرداری مشهد. اگر هنوز با این مفهوم غریبه‌اید، به آن علاقه‌مند یا منتقدید، سؤال و جواب‌های ما و دکتر جعفر سروی، دبیر شهر ترمیمی شهرداری مشهد، را از دست ندهید.

● **«کاهش بزه، به‌ویژه آن‌هایی که در حوزه مدیریت شهری اتفاق می‌افتد»؛ روی سایت دبیرخانه، این عبارت به‌عنوان هدف، نوشته شده است. کار شما یعنی آموزش‌های شهروندی؟**

ابتدا بگویم مدیریت شهری در این تعریف، مساوی با شهرداری نیست. منظور همه سازمان‌هایی هستند که شهر را اداره می‌کنند. شهرداری، یکی از آن‌هاست. آموزش شهروندی، فقط بخشی از کار ماست. بیشتر کار، مربوط‌به پس از وقوع جرم است.

● **برای این هدف، برنامه و شاخص ارزیابی وجود دارد؟**

در کشور ما، نه. قانون مجازات اسلامی یا تخلفات شهری را نگاه کنید. آنچه هست، «جریمه کنید،بگیرید، ببندید و ممانعت کنید» و از این حرف‌هاست. در پیشگیری هم برنامه نداریم. برای کاهش تخلفات پسماند، قطع درخت و... چه کنیم؟ از یک طرف شبکه‌های اجتماعی پر می‌شود از اینکه چرا با سد معبر برخورد شد، از طرف دیگر می‌گویند چرا جمع نمی‌شوند. بالاخره تکلیف چیست؟ طبق قانون پسماند، زباله‌گردی جرم است. با کودک زباله‌گرد چه کنیم؟ او را بگیریم یا نه؟ در حوزه مدیریت شهری، سیاست کیفری نداریم. ما در دبیرخانه شهر ترمیمی، برای تعیین سیاست و برنامه‌های متناسب، تلاش می‌کنیم. حرفمان این است که بدون دیدگاه ترمیمی و مشارکت مردم، نمی‌شود کار را پیش برد؛ در آسیب‌های اجتماعی برابر برنامه ششم توسعه قرار بود ۲۵ درصد از این آسیب‌ها کم شود. کم که نشده هیچ، زیاد هم شده. اگر دولت‌ها عُرضه این کار و بودجه‌اش را داشتند، وضعمان این نبود.

● **تا الان چه کارهایی انجام داده‌اید؟**

۱۵ کارگروه را که گلوگاه‌های مدیریت شهر هستند، تشکیل دادیم؛ مثل وقف ترمیمی. وقتی بیش از ۴۰ درصد اراضی مشهد، وقفی است، نمی‌توانیم بی‌توجه به وقف، به موضوع ماده ۱۰۱ قانون شهرداری‌ها درباره تفکیک اراضی، بپردازیم.

حساس‌سازی مردم و قشرهای تصمیم‌گیر و اثرگذار درباره موضوعات ترمیمی از کارهای دیگرمان بوده است.

● **ماه پیش، تعداد کارگروه‌ها، ۱۴ تا بود. ادامه این رشد به کار لطمه نمی‌زند؟**

شاید بیشتر هم بشود. ما در دبیرخانه، اقدام اجرایی نمی‌کنیم، بلکه حمایت علمی و هماهنگی انجام می‌دهیم. دستگاه‌ها خودشان متقاضی و پیگیرند، دبیر را معرفی می‌کنند، اعضای کارگروه را پای کار می‌آورند و خودشان مسائل را حل می‌کنند. نمونه‌اش مجموعه پلیس سایبر که با میل و اراده خودش، پای کار آمده است.

● **روی سایت دبیرخانه، فقط فعالیت ۴ کارگروه، نمود دارد. بقیه کجا هستند؟**

فعالیت تمام کارگروه‌ها، به اندازه هم نیست. برخی فعال‌ترند. ضمن اینکه ما برای بارگذاری سایت و کارهای نشریه، نیروی سازمانی نداریم. کارها، رفاقتی و مشارکتی پیش می‌رود. زمان لازم دارد. به نظرم الان هم سایت خوبی است و مقالات و بازدیدکننده‌های خوبی دارد.

● **برنامه‌هایتان زمان‌بندی دارد؟**

بله. برای جلوگیری از بروز این ایراد که بگویند بحث‌هایتان روی کاغذ است، در دو محله سیس‌آباد و شهرک شهیدبهشتی، طرح آزمایشی یک‌ساله تعریف کردیم. وکلایی که پیشتر تا پول نمی‌گرفتند حرف نمی‌زدند، الان با کمک کارگروه وکیل ترمیمی، مجانی می‌روند در محله و میانجیگری کیفری می‌کنند. در سیس‌آباد، شورای حل اختلاف داریم و دعاوی که درگذشته به دادگستری می‌رفت، در دفتر تسهیلگری حل‌وفصل می‌شود. برنامه‌هایمان را به‌سمت سازوکارهای اداری بردیم؛مثلا به دفتر تسهیلگری گفتیم اگر از ورود فاضلاب به خیابان ممانعت کند، طبق تعرفه، پرداخت‌هایی صورت می‌گیرد.این کار، ارزشمندتر است تا اینکه پرونده تشکیل دهیم و شهرداری را وارد دعوا با مردم کنیم.

● **بناست تعداد محله‌های ترمیمی زیاد شود؟**

فعلا نه. البته خیلی درخواست داریم؛ مثلا یکی از آن‌ها درخواستی است که از سوی یکی از اعضای سابق شورای شهر مشهد مطرح شده. در دفتر تسهیلگری مشغول است و نامه زده که محله ما را ترمیمی کنید. ما فعلا تمام تمرکزمان روی همین دو محله پایلوت است که نام بردم.

● **از مشارکت شهروندانی که با دیدگاه ترمیمی همسو هستند، چطور استفاده می‌شود؟ آن‌ها سراغ شما بیایند یا شما سراغشان می‌روید؟**

ما دفاتر تسهیلگری را داریم البته با مشکلات عمده و دیدگاه‌هایی که باید اصلاح شود. از طریق این دفاتر، به سراغ مردم می‌رویم. یکی از وظایفی که برای دفاتر تعریف شده، دادن آموزش‌های ترمیمی به مردم است. مراجعات مردمی، روز افزون است. درخواست‌ها برای ترمیمی شدن محلات هم نمونه‌اش. مثلا در دفتر تسهیلگری محله سیس آباد، روز اولی که اتاق ترمیمی را راه انداختیم، ما به مردم می‌گفتیم: اگر اختلافی دارید، سراغ ما بیایید تا با کمک هم، حل کنیم. الان به گواه مدیر دفتر تسهیلگری روزی نیست که یکی دو نفر نیایند و نگویند همین جلسه‌تان را تشکیل بدهید، ما مشکل داریم.

● **الگوی شهر ترمیمی کجاست؟ بومی است یا نه؟**

آیه ۱۰ سوره حجرات، مؤمنان را برادر می‌داند و بر صلح بین آن‌ها تأکید می‌کند. در روایات داریم امام‌صادق(ع) پولی را دراختیار صحابه‌شان گذاشته و فرموده بودند هرجا دو نفر از شیعیان ما اختلاف مالی داشتند، با این پول، آن‌ها را صلح بده. در فرهنگ ما ریش‌سفیدی و کدخدامنشی، ریشه دارد. در چین و مصر هم فرهنگ حل مسئله بدون ارجاع به حاکمیت دیده می‌شود. مکتوب و تئوریزه‌شده‌اش از «جان برایث‌ویت» استرالیایی است که با استفاده از دیدگاه‌های شرقی نوشته. طرح اجرایی آن اولین‌بار در لندن و ازسوی یک مسلمان پاکستانی به نام صادق‌خان برای سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۳۵ ارائه شده است.

در کشورهای دیگر، مدیران ارشد، علوم انسانی خوانده‌اند و در کشور ما مهندس‌ها سر کار می‌آیند. پروژه به راه می‌اندازند و بعد از مدتی می‌فهمند اثرات فرهنگی‌اش را ندیده‌اند

● **درواقع کار اصلی شما فرهنگی است.**

کار ما بین بخشی است؛ نه فرهنگی صرف. تلفیقی است بین جرم شناسی، جامعه شناسی و فرهنگ. امروز در دنیا، کارها را در یک رشته، جلو نمی‌برند. بنابراین دیگر تاریخ و حقوق صرف نداریم؛ بلکه تاریخِ حقوق و حقوقِ تاریخ داریم.

● **چرا ساختار دبیرخانه ذیل معاونت خدمات شهرداری است و مثلا ذیل سازمان فرهنگی، نه؟**

مراجعه نخستمان به مدیریت وقت سازمان فرهنگی بود. تشابه دیدگاه نداشتیم. دلیل دوم اینکه پیشانی اقدامات شهری، از رفت‌وروب تا آرامگاه‌ها، در معاونت خدمات شهری است. عمده جرائم شهری هم در همین حوزه است. معاونت کنونی خدمات شهری، دیدگاه مناسبی درباره اقدامات ترمیمی دارد.

● **دیدگاهی منفی درباره دبیرخانه وجود دارد که هدف را در جذب نیرو تقلیل می‌دهد. دراین‌باره توضیحی دارید؟**

بله، من هم شنیده‌ام که می‌گویند دست‌اندرکاران شهر ترمیمی، به دنبال ایجاد وزارتخانه‌ای برای خودشان هستند. این حرف‌ها جفاست. دبیرخانه شهر ترمیمی چارتی به این معنا ندارد. اینجا فقط من هستم، یک نیروی خدماتی و یک همکار که از حوزه معاونت خدمات شهری آمده‌است. من مدیر حقوقی معاونت خدمات شهری بوده و هستم. یک نفر نیرو از بیرون جذب نکرده‌ایم. با وجود این، از همکاری ۲۰ نهاد و دستگاه هم برخورداریم.

● **از این به بعد چطور؟ قرار بر جذب نیروی جدید هست؟**

نه. صحبت‌هایی دراین‌باره بوده است که موافقت نکرده‌ام. ساختار دبیرخانه شهر ترمیمی باید مبتنی‌بر مشارکت مردم باشد. در این ۱۵ کارگروه، حتی یک نفر از بدنه شهرداری و حقوق‌بگیر شهرداری نیست.

● **چطور کارگروه‌ها را سامان می‌دهید؟ آن‌ها نیروی شما نیستند.**

دو راه داریم. یکی چارت سازمانی داشتن و دستور دادن، دیگری قوت استدلال‌ها را افزایش دادن. در شهر وقف‌هایی انجام می‌گیرد که به ثمن بخس نمی‌ارزد. ازسویی برای زنان روسپی، موقوفه نداریم. معلوم است وقتی کسی، ایده کاربردی‌شدن وقف‌ها را مطرح کند، استقبال می‌شود. دستگاه‌های اجرایی به مشکلاتی برخوردند که دوایش را دیدگاه ترمیمی دیدند. خودشان پیگیرند. این‌طور نیست که ما به عنوان شهرداری خواهش کنیم کاری انجام بدهند. آن‌ها دنبال این هستند که کار مشترک انجام بدهیم. ضمن اینکه به‌لحاظ سازمانی، این دستگاه‌ها از شهرداری دستورپذیر نیستند. برگزاری اولین مراسم قدردانی از مددکاران اجتماعی فعال حوزه ترمیمی در کلانتری‌ها، ازسوی پلیس، یکی از نمونه‌هاست.

● **موانع کارتان عبارت‌اند از ...؟**

در علوم انسانی پیداکردن علت اصلی پدیده‌ها سخت است. مثل علوم آزمایشگاهی نیست که بگوییم علت تغییر رنگ ماده چیست. در علوم اجتماعی نمی‌شود گفت دلیل اینکه تا سه روز بعد از واریز یارانه، سرقت از فروشگاه‌های «شهر ما» کم می‌شود، لزوما پرداخت یارانه است و نتیجه بگیریم که یارانه خوب است یا بد. به‌همین‌دلیل، تعریف شاخص‌ها در محلات پایلوت، دشوار است. مشکل دیگرمان، دیدگاه بازآفرینی شهری بود. تصور می‌کردند با مالیدن رنگ به در و دیوار و کارهای کالبدی، می‌شود جرم را کاهش داد، درحالی‌که کار باید با علوم اجتماعی همراه شود.

سوم اینکه متأسفانه مدیران ما کارهایی را دوست دارند که نتایجش را سریع نشان بدهد اما ما نمی‌توانیم بگوییم فلان روز افتتاحیه داریم. عمده کارمان زمان‌بر است و گفت‌وگو می‌خواهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد دلیل اصلی جرائم شهری در فلان محله شهر، نااطمینانی به مسئولان است. اگر بشود به خودروی فلان ارگان لگدی بزنند یا روی آن خطی بیندازند، مضایقه نمی‌کنند. فکر می‌کنند قشری هستند که کنار گذاشته شدند. اگر چه اجرای پروژه‌های کالبدی در این مناطق موثر است اما اصلاح دیدگاهی که گفتم، فقط با اجرای فلان پروژه عمرانی ممکن نیست. باز هم از موانع بگویم؟

● **گویا مشکلات تمامی ندارند!**

نمی‌دانم چرا در کشورهای دیگر، مدیران ارشد، علوم انسانی خوانده‌اند و در کشور ما مهندس‌ها سر کار می‌آیند. نتیجه اینکه علوم انسانی آن‌طور که باید فهم نمی‌شود. پروژه به راه می‌اندازند و بعد از مدتی می‌فهمند اثرات فرهنگی‌اش را ندیده‌اند. در حالی که باید اول مطالعات فرهنگی انجام دهند بعد پروژه را اجرا کنند. مباحث ترمیمی نو است. فکر می‌کنند دیدگاه ترمیمی یعنی ساده‌سازی و ماست‌مالی کردن. پرسش من این است: نتیجه دیدگاهی که کلی هزینه می‌کند برای دستگیری، محاکمه و زندانی کردن متهم کجاست؟ دیدگاه ترمیمی می‌گوید همین الان این قضیه را حل کن، نگذار به بالاتر بکشد. مجازات را موثر و مردم را اقناع کن. مجازات موثر و افزایش حرف‌شنوی مردم از قانون، الزاما با تشدید مجازات نیست. شیوه فکر مدیران، مشکل دیگر ماست. ذهنشان روی جبر و فشار قفل کرده است. سال‌ها از بالا به پایین دستور داده‌اند و ادبیات‌شان « باید این بشود» بوده. دستور می‌دهند بدون این که مردم را قانع کنند. ما داریم با این رفتارها شیپور را از سر گشادش می‌دمیم. این سبک مدیریت در بدنه ادارات هم ریشه دوانده، طوری که اگر با کارمندان دستگاه‌ها صحبت کنی و بگویی با این متخلف چه کنم، می‌گویند بیندازش هُلُفدونی. نتیجه این طرز فکر، می‌شود ترافیک ما. اگر یک روز اعلام شود فلان خیابان هسته مرکزی، طرح ترافیک ندارد، ببینید چه خبر می‌شود.

شهر ترمیمی چیست؟

در شهر ترمیمی شهروندان برای گذران امر زندگی‌شان مجبور به نقض مقررات نمی‌شوند، در مورد مسائل اجتماعی لاپوشانی نمی‌شود و سمن‌ها مهم‌ترین نقش را دارند.

نگاه و نگرش دنیا روزبه‌روز نسبت به ابزارهای رسمی و دولتی کمرنگ شده و به سمت ظرفیت و قابلیت‌های موجود در اجتماع معطوف شده است. مهم‌ترین جایگاه در شهر ترمیمی، تشکل‌های ترمیمی هستند. در شهر ترمیمی مقررات و قوانین به گونه‌ای طراحی، تدوین و اجرا می‌شود که شهروندان برای گذران امر زندگی‌شان مجبور به نقض مقررات نمی‌شوند و به نیازهای مشروع شهروندان پاسخ مشروع داده می‌شود بطورکلی در شهر ترمیمی مقررات و قوانین باید به گونه‌ای طراحی شود که شهروندان با آرامش امورشان را پشت سر گذراند.

دبیرخانه شهر ترمیمی متشکل از افرادی با تخصص‌های حقوقی و امور شهری است، هدف از ایجاد این دبیرخانه حل اختلاف بین مردم از طریق صلح و سازش با ابزار میانجیگری می‌باشد.

اساس این دبیرخانه رویکرد تعاملی است و کنشگران آن بزهکار، بزه دیده، تسهیلگر و سازمان های مردم نهاد و است که در تعامل با یکدیگر قصد بهبود روابط انسان ها را به صورت ترمیمی در جامعه دارند.

از آنجاییکه شهر مشهد مقدس به عنوان اولین شهر ترمیمی در کشور شناخته شده است؛ در همین راستا دبیرخانه شهرترمیمی از سال ۱۳۹۸ راه اندازی و فعال گردید.

هدف دبیرخانه شهر ترمیمی در حوزه معاونت خدمات شهری شهرداری مشهد، کاهش و کنترل بزه شهری خصوصاً آن دسته از بزه‌هایی که در حوزه مدیریت شهری با مردم حادث می‌گردد.

> شیوه فکر مدیران، مشکل دیگر ما است. ذهنشان روی جبر و فشار قفل کرده است. سال‌ها از بالا به پایین دستور داده‌اند و ادبیات‌شان « باید این بشود» بوده. دستور می‌دهند بدون این که مردم را قانع کنند. ما داریم با این رفتارها شیپور را از سر گشادش می‌دمیم. این سبک مدیریت در بدنه ادارات هم ریشه دوانده، به‌گونه‌ای که اگر با کارمندان دستگاه‌ها صحبت کنی و بگویی با این متخلف چه کنم، می‌گویند بیندازش هُلُفدونی. نتیجه این طرز فکر، می‌شود ترافیک ما. اگر یک روز اعلام شود فلان خیابان هسته مرکزی، طرح ترافیک ندارد، ببینید چه خبر می‌شود

گزارش روز

روایت یک «همدلی» از پیش اعلام نشده!

از گزارش خرید یک گوشی با کمک خبرنگاران شهرآرا تا پویشی برای بازگشت به درس

الهام مهدیزاده
e.mahdizadeh@shahraranews.ir

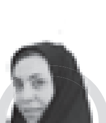

مائده به اندازه ۱۷ سال عمرش سختی دیده است. از همان بچگی وقتی سر کلاس درس و مدرسه، صحبت دختربچه‌ها درباره لباس تازه و مهمانی‌ها گُل می‌کرد، دهانش از کلمه خالی می‌شد، درست مثل تمام روزهایی که پدرش از سر گذر دست خالی به خانه برمی‌گشت. نداری کم بود که کرونا هم شد نمک زخمش. نه گوشی داشت که بتواند در کلاس مجازی شرکت کند و تکالیفش را انجام دهد نه حتی تلویزیونی که درس‌ها را در آن پیگیری کنند. دوماه اول سال تحصیلی را با یک گوشی تعمیری عاریه‌ای سر کرد اما این گوشی همراه با او همراهی نکرد و ماه قبل برای همیشه سوخت. درست در روزهایی که همه دوستانش خودشان را برای کنکور آماده می‌کنند، او درمانده انجام تکالیف ساده‌اش بود.

مادرش از عشق مائده برای درس‌خواندن می‌گوید. اینکه مائده دوست دارد با درس‌خواندن و دانشگاه‌رفتن، زندگی متفاوتی بسازد. مائده می‌خواهد با درس‌خواندن کاری برای خودش دست‌وپا کند تا کمک‌خرج خانواده‌اش و برادرزاده بیمارش شود. برادر مائده که او هم کارگر است، چند سال قبل ازدواج کرده و کودک خردسالش از یک‌سالگی گرفتار سرطان خون شده است؛ بیماری‌ای با هزینه زیاد. این است که برای تأمین خرج و مخارج فرزندش مجبور شده همراه مادر و خواهرش در یک حسینیه زندگی کند، یک حسینیه در محدوده خیابان گاز.

● **کاش مُرده بودم**

پلان اول؛ گزارشی از دل یک گزارش- ماجرای آشنایی خبرنگار شهرآرا با این خانواده به بیمارستان دکتر شیخ و دوسال پیش برمی‌گردد؛ جایی که مادر و مادربزرگی، شب و روزهای زیادی را در بیمارستان و کنار تخت کودک سرطانی خود گذراندند. حالا مادری نگران با خبرنگار شهرآرا تماس می‌گیرد و این‌طور می‌گوید: یادتان است پارسال آمدید یک گزارش از بیمارستان دکتر شیخ گرفتید؟ من مادربزرگ همان بچه‌ای هستم که توی بیمارستان بود. تو را به خدا کاری کنید. دختر کوچکم دیشب حرف‌های وحشتناکی می‌زد. می‌گفت: «ما برای چه زنده‌ایم! بمیریم، بهتر است...» دخترم امسال کنکور دارد. با هزاربدبختی یک گوشی برایش جور کردیم تا بتواند درس بخواند اما یک ماه است که خراب شده. هرجا بردم، گفتند دیگر درست نمی‌شود. تلویزیون هم نداریم که حداقل با آن، درس‌هایش را ادامه بدهد. این بچه عاشق مدرسه است. می‌ترسم اگر نتواند درس بخواند بلایی سر خودش بیاورد.

● **همدلی برای همراهی**

پلان دوم؛ روایت همکاری برای خرید همراه- با همراهی خبرنگاران شهرآرا و روابط عمومی آموزش‌وپرورش، مبلغی برای خرید گوشی فراهم می‌شود. با تهیه گوشی تلفن، مدرسه با خانواده مائده تماس می‌گیرد. مدیر مدرسه از مادر مائده می‌خواهد همراه فرزندش سری به مدرسه بزنند.

● **ما برای چه زنده‌ایم!**

پلان سوم؛ اشک‌ها و لبخندها- مادر مائده، روایت روزی را که مدیر مدرسه با آن‌ها تماس گرفت، این‌طور بیان می‌کند: به محض زنگ‌زدن مدیر مدرسه، مائده شروع به گریه کرد و گفت: «دیدی؟ دیدی گفتم بدبختی‌های ما تمامی ندارد؟ لابد می‌خواهند مرا اخراج کنند. وقتی می‌گویم ما برای چه زنده‌ایم، دعوا می‌کنی.» مادر مائده آن شب تمام تلاشش را برای آرام‌کردن فرزندش می‌کند. تصمیم می‌گیرد مدیر را راضی کند که دخترش را اخراج نکنند؛ «به مائده گفتم خدا بزرگ است.» حال‌وهوای دفتر مدرسه متفاوت است. مائده با دیدن مدیران و خبرنگاران شهرآرا بدون هیچ حرفی گریه می‌کند، مثل سر صبح که به گفته مادرش با اشک‌وزاری لباس پوشیده و ریز لب گفته بود: «این هم عاقبت من!» این‌بار اما مائده از سر ذوق گریه می‌کند. هم مائده هم مادرش. مدیر مدرسه می‌گوید: متأسفانه امسال بعضی از دانش‌آموزان مدرسه باوجود داشتن استعداد و توانایی از درس بازمانده‌اند. ماه قبل هم قاسمعلی خدابنده، مدیرکل آموزش‌وپرورش استان، از ۴۰هزار دانش‌آموز بازمانده از تحصیل گفته بود.

● **برای همراهی، همراهمان شو**

هم‌زمان با جمع‌آوری کمک‌ها برای خرید گوشی، خیّری نیز اعلام آمادگی کرد که یک گوشی به دانش‌آموزانی که به‌دلیل نداشتن گوشی از درس و مدرسه بازمانده‌اند اهدا می‌کند. چنین مشارکتی برآمده از تلاش سعیده ساجدی‌نیا، خبرنگار شهرآرا، بود که با انتشار نیاز فوری این خانواده، بستر را برای همراهی خبرنگاران شهرآرا و همکاران روابط عمومی آموزش‌وپرورش فراهم کرد. این همراهی همچنان ادامه دارد. مردم خداجوی مشهد و نیکوکارانی که تمایل دارند در مسیر بازگشت دانش‌آموزانی مثل مائده گامی بردارند، با روابط عمومی روزنامه شهرآرا یا روابط عمومی آموزش‌وپرورش تماس بگیرند.

خطرناک‌ترین رفتارها هنگام رانندگی

۳

به عادت‌ها یا اعمالی که فرد را در معرض خطر بیماری یا مشکلات مرتبط با سلامت قرار می‌دهد، رفتار پرخطر یا مخاطره‌آمیز گفته می‌شود. نمونه‌هایی از رفتارهای خطرناک در رانندگی عبارت‌اند از:

- استفاده از تلفن همراه هنگام رانندگی
- رعایت نکردن فاصله مناسب با خودرو جلویی
- حرکت نکردن بین خطوط
- نبستن کمربند ایمنی
- رانندگی در حالت خستگی و خواب آلودگی
- رانندگی با حالت عصبانیت
- انجام حرکات نمایشی
- سبقت غیرمجاز
- انحراف به چپ

پذیرش تلفنی آگهی
روزنامه شهرآرا
۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
داخلی ۵۲۷